

خودکامی پزشکان؛ از واقعیت تا تصور

دکتر حمید خسروچردی

استادیار سم‌شناسی بالینی، بیمارستان امام رضا (ع)، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

که در هر جایی اگر توأم رسید حاکمی مطلق هر چند در محدودهای کوچک باشم. این جاست که می‌بینیم ما خود نه تنها دیکتاتور هستیم بلکه به عنوان پدر و مادر اگر درست عمل نکنیم فرهنگ خود را به نحوی پایدار به نسل بعد نیز منتقل می‌کنیم و به میراث می‌گذاریم. من و شما همان کودک دیکتاتوری هستیم که مورچهای را به زیر پای گرفتاریم و اگر خود نبودیم هرروزه شاهد آن بودایم. از سوی دیگر، تا چندی پیش بالاترین مقطع تحصیلی همان دکتر بوده است. آن هم در رشته پزشکی و لا غیر. چه بخواهیم و چه نخواهیم این برجسب تحصیلات عالی ما را بیش از هر کس؛ بریده از جمع کرده است و چه بسا جامعه را هم به ستون بی‌شائبه در طول سالیان تشویق نموده است. و چون می‌دانیم هیچ دیکتاتوری ماندگار نمی‌شود مگر آنکه مردم به او سر تعظیم و تسلیم فرود آورند، می‌بینیم که ستون منور ما را که خود مستعد خودکامی بودایم در این صفت بیش از پیش ماندگار کرده است.

تمام آنچه گفته شد شیمه خالی لیون بود، اما باید در نظر داشت گاه تصورات بیماران از پزشکان نیز دور از واقعیت است. گاه بیماران بر اساس شنیده‌ها یا مطالب منتشرشده در رسانه‌ها، انگ بیماری خاصی را به خود می‌چسبانند و از پزشک خود توقع دارند یا آنها هم عقیده باشند. اصالتاً بعضی بیماران به پزشک مراجعه می‌کنند تا تأیید تشخیصی که خودشان فکر می‌کنند یا از سوی پزشکانشان به آنها گفته شده از وی بگیرند. گاه اصرار دارند دارویی که برایشان لازم نیست تجویز شود و اگر نشود او را (ته در مقلش که در نهان) به باد انتقاد می‌گیرند، و انگار پزشک مسئول نوشتن نسخه است و بس. از طرف دیگر برخی بیماران پزشک را همانند طالع‌بین فرض می‌کنند که باید بدون اینکه شرح کاملی از مشکلات و نخواستی خود به او بدهند، اصل بیماری را کشف کنند. آن هم در یک جلسه، که اگر این کار را نکنند سواد این کار را ندارند. این بدین خاطر است که اکثر مردم تصور می‌کنند پزشکی کار ساده و پیش‌پاافتادی است. درحالی‌که اقدامات تشخیصی و درمانی فرایندهای پیچیده‌ای هستند که متناسب با خصوصیات فردی، جسمانی و اجتماعی هر فرد تعریف می‌شود.

پزشکان فکر می‌کنند که از کجا اومدند که اینجوری با مردم صحبت می‌کنند؟ بهش میگم ممکنه مشکل من مربوط به دارویی است که تجویز کردای، میگه من پزشکم یا تو؟! اینها و دهها جمله تکراری هر روزه از گوشه و کنار به گوش می‌رسد و تقریباً بیشتر مردم پزشک امروز جامعه‌ی ما را دیکتاتور مطلق در عرصه امور پزشکی می‌دانند که فقط در صورت رودرویی با پزشک مجرب‌تری یا به زعمی دیکتاتوری بزرگتر سر تسلیم فرود می‌آورد. آیا به راستی جامعه پزشکی در رفتار خود با مردم دیکتاتورمعمانیه رفتار می‌کند. اگر خدای ناکرده اینگونه است باید چرایی آن بررسی شود.

به راستی شاید همان‌گونه که بسیاری از مردم بیان می‌کنند، ما پزشکان اگر نگوئیم بصورت مطلق، حداقل در بسیاری از موارد رفتاری داریم که گویی در محدوده کاری خودمان حرف اول و آخر را می‌زنیم و بیمار حق هیچ پرسش و اظهار نظری ندارد. از کجا و کدامین منشأ این رفتار در جامعه پزشکی شکل گرفته است؟ یا کمی نگاه واقعی‌بینانه‌تر به این مقوله می‌بینیم که مشابه این رفتار در سطح جامعه و در مشاغل مختلف به صور گوناگون دیده میشود. مدبری که بررسی پرونده یک ارباب رجوع را به تعویق می‌اندازد و فقط با دستور مدیران بالاتر حاضر به پیگیری آن می‌شود. مهندسی که با اعتماد به نفس، مدارات طراحی شده توسط خود را بازمینی نمی‌کند و فاجعه آتش سوزی پیش می‌آید. من رئیس در اداره خود، من دبیر سر کلاس خود و مزارن نمونه خود و کلان در جامعه خود و بی‌شک وقتی در عمق آن فرو می‌رویم همه و همه نشان از گستردگی فرهنگ خودرایی در احاد جامعه می‌باشد. شاید بتوان گفت بسیاری از افراد جامعه‌ی ما تحمل پذیرش سوال و انتقاد را ندارند و به نوعی دچار خودکامی در حوزه‌ی فعالیت خود هستند. حال سوال اینجاست که آیا گستردگی این فرهنگ باعث بروز این رفتار در جامعه تحصیل کرده گروه پزشکی می‌شود یا خیر؟ هرچند می‌دانیم این فرهنگ می‌تواند مسبب گسترش این ناهنجاری در سطوح مختلف جامعه باشد ولی بی‌شک علت غایی بروز آن نیست. شاید ریشه‌ی این موضوع را باید در دوران کودکی جست. وقتی در کودکی آموختیم با اصرار لجوجانه آنچه را که برابیم لازم نیست طلب کنیم و بدست آوریم، وقتی یاد گرفتیم

لطفاً به این مقاله از ۲۰۱ امتیاز دهید.

کد این مقاله: ۶۶۱۶

شماره پیامک مجله: ۳۰۰۰۷۸۳۸

نحوه امتیازدهی: امتیاز شماره مقاله

نمونه صحیح امتیازدهی (چنانچه امتیاز شما ۲۰ باشد): ۶۶۱۶-۲۰

علاقتمندی شما به نسخه‌های پزشکی موجب لیست. فب کلکسیونر نمبر شوید.

سلام ننه جون، داشتیم از اینها رد می‌شدیم
دردم این مطب تازه یاز شده، گفتم پیام به
نسخه هم از شما بگیرم. راستی ننه جون
اول بگو فریزیکت هلد؟



برگرفته از: کتاب «مريض خوبه»،
طرح و اجراء: ابوالفضل محترمی

تصویرات و اظهارات عیب
میان از پزشکان